

عوامل مؤثر بر ارتکاب جرائم مالی کارکنان ناجا و راه کارهای مقابله با آن

اسماعیل حسنونند^۱، داریوش رحمتی^۲، یونس عابدی^۳

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۰۲/۱۹

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۰۵/۰۹

از صفحه ۹ تا ۳۲

چکیده

جرائم مالی کارکنان ناجا از درجه اهمیت بالایی در ساختار نظم بخشی نیروهای مسلح و نظم اجتماعی برخوردار است. پلیس و دیگر سازمان‌های دولتی در تمام کشورها با پدیده جرائم مالی روبه‌رو هستند. هدف این پژوهش مطالعه عوامل زمینه‌ای مؤثر بر ارتکاب جرائم مالی توسط کارکنان ناجا و ارائه راه کارهای مدیریتی است. روش این تحقیق از نوع کیفی با استفاده از استراتژی تحلیل محتوای کیفی استفاده بوده است. نمونه آماری این تحقیق شامل ۱۴ مورد تحقیقاتی بوده است که در ناجا در خصوص جرائم مالی کارکنان انجام شده است. روش نمونه‌گیری از نوع نمونه‌گیری هدفمند می‌باشد. یافته‌های این تحقیق نشان می‌دهد که مهم‌ترین عوامل مؤثر بر ارتکاب جرائم مالی توسط کارکنان ناجا عبارتند از: پایین بودن حقوق و مزایا، ضعف نظارت، مشکلات اقتصادی جامعه، نارسایی قوانین، عدم رضایت شغلی، افزایش زحمت ارتکاب جرم، افزایش خطرات قبل پیش‌بینی، کاهش منافع قابل پیش‌بینی، کاهش تحرک، حذف بهانه، عدم امنیت شغلی. نتایج این تحقیق نشان می‌دهد که تأکید بر راه کارهای اقتصادی، سازمانی و فردی می‌تواند در کنترل جرائم مالی کارکنان مؤثر واقع شود و توجه و تمرکز بر عوامل اقتصادی می‌تواند تا حدود زیادی از گسترش این نوع از جرائم بکاهد.

واژگان کلیدی: جرائم مالی، کارکنان ناجا، عوامل اقتصادی، عوامل سازمانی.

۱- عضو هیات علمی پژوهشگاه علوم انتظامی و مطالعات اجتماعی ناجا، نویسنده مسئول، esmail.hasanvand@gmail.com

۲- دانشیار دانشگاه علوم انتظامی امین. drahmati_46@yahoo.com

۳- عضو هیات علمی دانشگاه علوم انتظامی امین. a.y.4950@gmial.com

مقدمه

فساد اداری و جرائم مالی در هر جامعه‌ای از اهمیت بالایی برخوردار هستند. سیستم اداری هر جامعه‌ای بازوی اجرایی نظام سیاسی آن جامعه است و عملکرد درست یا نادرست آن می‌تواند نظام سیاسی را تداوم بخشد یا از مشروعیت بیندازد. بنابراین توجه به نظام اداری هر جامعه‌ای می‌تواند کمک بزرگی به سیاست‌گذاران آن جامعه باشد که با تشخیص به موقع بتوانند راه حل‌های لازم را ببینند. فساد اداری و جرائم مالی، بیماری انکارناپذیر همه حکومت‌هاست. فساد اداری و جرائم مالی به عنوان معضلی گریبان‌گیر بسیاری از جوامع توسعه یافته و در حال توسعه می‌باشد. سطح بالای فساد مالی می‌تواند موجب ناکارآمدی سیاست‌های دولتی شود تحقیقات موجود نشان می‌دهد که فساد باعث کاهش سرمایه‌گذاری و در نتیجه کاهش رشد اقتصادی خواهد شد. فساد مالی می‌تواند فعالیت‌های سرمایه‌گذاری و اقتصادی را از شکل مولد آن به سوی رانتها و فعالیت‌های زیرزمینی سوق دهد فساد مالی می‌تواند موجب پرورش سازمان‌های وحشتناکی مانند مافیای فساد گسترده و فراگیر یکی از نشانه‌های ضعف حاکمیت است و عملکرد ضعیف حاکمیت می‌تواند روند رشد و توسعه اقتصادی را رو به تحلیل برد. فساد مالی چون دریافت رشوه از سوی مأمور دولتی به معنای سوء استفاده از مقام و موقعیت شغلی به منظور کسب منافع شخصی است که از جنبه‌های مختلف، نقش و نمودهای متفاوتی پیدا می‌کند. این رویداد فراگیر و ویرانگر اجتماعی با تضعیف انگیزه‌ها و نهادهای مدنی موجب پایداری زیان‌های فرهنگی، اجتماعی و سیاسی شده و باعث کاهش اعتماد عمومی مردم نسبت به سازمان می‌گردد (دادگر و معصومی نیا، ۱۳۸۸: ۱۱۲). نیروی انتظامی که به عنوان ضابط قوه قضاییه می‌باشد، در برقراری عدالت در جامعه نقش مهمی را ایفا می‌کند، و جریان داشتن فساد اداری در این نهاد موجب دلسرد شدن کسانی است که به آنها ظلم شده و می‌خواهند از طریق سازمان‌های قانونی تظلم خواهی کنند. پیشگیری از جرائم مالی در نهادهای دولتی و همچنین در نیروهای مسلح به ویژه ناجا که متولی نظم و امنیت داخلی کشور است امری ضروری می‌باشد. از آنجا که کارکردی این نهاد حفظ نظم و امنیت در جامعه است؛ بنابراین بر این اساس و به طور طبیعی این نیرو باید خود نیز از حیاتی سالم و پویا برخوردار باشد تا از حداکثر استعدادها و امکانات بهره‌برداری به عمل آید (کریمایی و دیگران، ۱۳۹۶: ۳). از طرفی با توجه به اینکه سازمان

پلیس به طور مستقیم زیر نظر مقام معظم رهبری است، و فرمانده آن توسط ایشان منصوب می‌گردد، و وجود فساد در این سازمان نه تنها موجب منفی شدن اذهان عموم جامعه به ایشان شده، بلکه می‌تواند ارزش‌های انقلاب اسلامی را در هاله‌ی شبهات دشمنان این نظام محصور نماید. برای اینکه پلیس بتواند به اهداف خود که همان برقراری نظم و امنیت در جامعه است، برسد، باید جهت ارتقاء توانمندی خود تلاش کند. از جمله این ویژگی‌ها سلامت و صحت عمل پلیس است (امیدی، ۱۳۹۲: ۵).

در واقع عملکرد نیروی انتظامی به‌عنوان یک نهاد انقلابی، جلوه‌های از نظام مقدس جمهوری اسلامی است. پلیس در تمام کشورها با پدیده جرائم مالی یا رشوه رو به رو شده و هست. اینکه مردم از پلیس انتظار دارند تا با پرداخت مبلغی، مشکل خود را حل و فصل نمایند بدترین شیوه حل یک مشکل بوده و متأسفانه همواره گریبان‌گیر این سازمان و پرسنل فداکار آن بوده است. وجود مشکلات معیشتی در این سازمان مهم‌ترین مسأله‌ای است که به این مشکل دامن زده است. کاهش اعتماد به پلیس و کاهش مشروعیت سیاسی دولت و نظام مهم‌ترین پیامدهای ارتکاب جرائم مالی توسط پلیس است. افول سرمایه اجتماعی و اعتبار عمومی به این سازمان را در پی خواهد داشت. با ارتکاب جرائم مالی از سوی پلیس، مردم دیگر پلیس را امین خود ندانسته و هر چه بیشتر اعتماد خود به پلیس را از دست خواهند داد. در این شرایط مردم هر کدام سعی خواهند کرد تا با تکیه بر خود و گروه‌های تبهکار مشکلات خود را به انجام برسانند و این امر باعث بی‌نظمی و هرج و مرج در جامعه خواهد شد. در واقع ارتکاب جرائم مالی توسط پلیس و اخذ رشوه، مسائل جامعه و سازمانی را در پی خواهد داشت و در نهایت نافرمانی مدنی، عدم مشروعیت سیاسی، ناکارآمدی دولت و ناامیدی و بی‌عدالتی را در جامعه رواج می‌دهد. سوال اصلی این تحقیق این است که چه عواملی بر ارتکاب جرائم مالی توسط پرسنل ناجا مؤثر هستند؟ و چه راه‌کارهایی را می‌توان بر پیش‌گیری و مقابله با این جرائم بر شمرد؟

پیشینه تحقیق

کرمی (۱۳۹۶) در پایان نامه کارشناسی ارشد خود در در دانشگاه علوم انتظامی امین خود به بررسی عوامل سازمانی مؤثر بر پیشگیری حفاظتی از جرائم مالی کارکنان استان همدان در سال ۹۶ پرداخته است. روش تحقیق این پژوهش از نوع کمی با تکنیک پیمایش و ابزار

پرسشنامه و حجم نمونه آماری ۲۲۶ نفر بوده است. نتایج حاصل از این تحقیق نشان داد که اولاً بین بکارگیری تکنیک‌های افزایش زحمت لازم، افزایش خطرات، از بین بردن بهانه‌ها و معاذیر و کاهش عوامل تحریک کننده ارتکاب جرم و پیشگیری از اخذ رشوه رابطه معناداری وجود دارد. اما بین بکارگیری تکنیک‌های کاهش منافع مورد انتظار از ارتکاب جرم رشوه و پیشگیری از اخذ رشوه رابطه وجود ندارد.

صادقی (۱۳۹۵) در پایان نامه کارشناسی ارشد خود در دانشگاه علوم انتظامی امین به بررسی تأثیر درآمدهای نامشروع مأمورین پلیس بر منزلت اجتماعی ناجا پرداخته است. این تحقیق با روش کمی با تکنیک پیمایش و ابزار پرسشنامه انجام شده است. جامعه آماری این تحقیق ۵۰۰ نفر از کارکنان فاتب بوده که براساس جدول مورگان تعداد ۵۰ نفر به عنوان حجم نمونه آماری تعیین شد. نتایج این تحقیق نشان می‌دهد که از بین متغیرهای مستقل، متغیر اقدامات پیش‌گیرانه، اعتماد اجتماعی، مشارکت اجتماعی و سرمایه اجتماعی به ترتیب دارای بیشترین اثر بر متغیر وابسته تحقیق هستند. در مجموع ۷۹ درصد از تغییرات متغیر وابسته توسط متغیرهای مستقل تبیین شده است. پیشنهادهای این پژوهش عبارتند از: نهادینه کردن واقعی امر به معروف و نهی از منکر در ناجا با در نظر گرفتن پشتوانه مالی و سازمانی قوی برای آمران به معروف و ناهیان از منکر، نهادینه کردن صیانت و یشگیری قبل از وقوع جرم با مشخص نمودن آسیب و تهدید هر شغل و به صورت چهره به چهره در ناجا، تربیت دینی کارکنان، دقت نظر در گزینش و استخدام در ناجا.

مسجد آرانی (۱۳۹۳) در پایان نامه کارشناسی ارشد خود در دانشگاه علوم انتظامی امین به تحلیل اثربخشی شیوه‌های پیشگیری از جرائم مالی کارکنان فاتب پرداخته است. روش تحقیق بکار رفته کمی با تکنیک پیمایش و ابزار پرسشنامه بوده است. حجم نمونه آماری ۱۵۸ نفر و شیوه نمونه‌گیری تصادفی ساده و متغیر مستقل، اثربخشی شیوه‌های پیشگیری از جرائم مالی و متغیر وابسته جرائم مالی می‌باشد. پیشنهادات این تحقیق عبارتند از: تدوین سیستم کنترل چندمرحله‌ای در بررسی‌های تخصصی مسائل مرتبط با امور مالی، تأیید صلاحیت کارکنان امور مالی توسط مراجع نظارتی، کنترل سیستمی اسناد مالی توسط مدیران، مسئولین و روسا.

محمدی (۱۳۹۲) در پایان نامه کارشناسی ارشد خود در دانشگاه علوم انتظامی امین به

بررسی تأثیر روش های مبارزه با فساد اداری (رشوه) برای پیشگیری از وقوع آن ها در ناجا پرداخته است. روش این پژوهش، کیفی با استراتژی تحلیل محتوا و مصاحبه است. جامعه آماری این تحقیق ۳۰ نفر از افسران ارشد بازرسی کل ناجا می باشد. روش نمونه گیری روش نمونه گیری تمام شمار است. عوامل تأثیر گذار بر اخذ روش در قالب عوامل فردی، سازمانی و محیطی تعیین شدند. تم عوامل فردی مؤثر بر فساد پلیس شامل ۴ دسته مفهومی ارزش ها و باورهای فردی، شخصیت، تأهل فرد و فساد نا آگاهانه می شود. تم عوامل سازمانی مؤثر بر فساد پلیس شامل ۱۲ دسته مفهومی عدم رضایت شغلی، نقص سیستم جذب، عدم تناسب فرهنگی، نقص سیستم آموزش، محدودیت در سیستم جبران، نارسایی قوانین و مقررات سازمانی، نقص سیستم های نظارتی، بی عدالتی درونی و بیرونی، بی توجهی به سلسله مراتب سازمانی، ماهیت شغل، شرایط محیط کار و عدم امنیت شغلی می شود. تم عوامل محیطی مؤثر بر فساد پلیس شامل ۶ دسته مفهومی ظرفیت بالقوه فساد در منطقه، نگرش ها و کلیشه های اجتماعی، تربیت خانوادگی، مشکلات اقتصادی و معیشتی، خط مشی گذاری های دولتی و نقش منفی رسانه ها می باشد.

مهم ترین تفاوت این تحقیق با پیشینه ارائه شده و دیگر تحقیقات این است که در این تحقیق به تمام جرائم مالی مانند (رشوه، اخاذی، سرقت و ...) پرداخته شده است ولی تحقیقات دیگر بیشتر بر یک جرم مالی تمرکز کرده اند.

تعاریف و چارچوب نظری

جرائم مالی (اقتصادی) مجموعه رفتارهایی هستند که کارکرد، الزامات و نظم نهادها و فرایندهای نظام اقتصادی را دچار اختلال اساسی می کنند (حسینی و مهرا، ۱۳۹۴: ۵۲). جرایم اقتصادی در اصطلاح عبارتند از جرایمی که علیه اقتصاد کشور ارتکاب می یابند یا به این قصد انجام می شوند یا در عمل موجب اختلال در نظام اقتصادی کشور می شوند (ساک، ۱۳۸۲: ۱۵۱). جرم اقتصادی جرمی نیست که ویژگی اقتصادی داشته باشد، بلکه جرمی است که آثار و تبعات سوء اقتصادی داشته باشد. فساد اقتصادی به متمرکز کردن ثروت ها گرایش دارد و نه فقط شکاف میان غنی و فقیر را افزایش می دهد که برای افراد مرفه، ابزارهای نامشروع حفاظت از موقعیت و منافع شان را تأمین می کند. فساد اقتصادی شرایطی را فراهم می نماید که در سایه آن، دیگر انواع جرایم تسهیل می یابند (لانگست، ۱۳۸۷: ۲۶).

نیکلا کلو، حقوقدان - جرم شناس سوئیسی، جرم اقتصادی را یک مفهوم عمومی می‌داند که مجموعه‌ای از جرایم متضمن لطمه به نظم اقتصادی یا نظام روابط تجاری و کسب و کار در یک جامعه را شامل می‌شود و معمولاً در چارچوب فعالیت حرفه‌ای، شرکت یا مدیریت آن (جرایم شرکتی) ارتکاب می‌یابد. بر اساس این تعریف، دو دسته از جرایم را می‌توان برشمرد:

- جرایم اقتصادی علیه مقررات دولتی، یعنی فعالیت‌های مجرمانه علیه اقتصاد دولتی (بانک، بازار، رقابت)، بودجه عمومی (مالیات، گمرک و غیره) حمایت از مصرف‌کننده و محیط زیست.

- جرایم حوزه کسب و کار و تجارت؛ یعنی مجموعه جرایم ارتكابی دنیای کسب و کار و تجارت که معمولاً توسط صاحبان حرفه‌های تخصصی و از طریق نقض قانون در روابط تجاری مانند رویه‌های ضد رقابتی، سوءاستفاده از اعتماد، حسن نیت و ... ارتکاب می‌یابد (کیولوز، ۱۹۹۹: ۱۷).

برخی نویسندگان معتقدند جرایم اقتصادی به رفتارهای مجرمانه‌ای اطلاق می‌شود که موجبات زیان به نظام تولید، توزیع و مصرف را فراهم می‌سازد (جمشیدی، ۱۳۸۸: ۷۱). عده‌ای نیز بر این باورند که مقررات کیفری نشان می‌دهد مراد قانون‌گذار از جرایم اقتصادی، جرایمی است که با انگیزه مادی و با ماهیت فعالیت‌های اقتصادی یعنی فعالیت‌های مالی و پولی، داد و ستد داخلی و خارجی، استفاده از منابع بدون مجوز، اخذ رشوه، اخذ کمیسیون و اعطای تسهیلات غیرقانونی به نفع خود یا دیگری ارتکاب می‌یابد. طبق این تعریف، جرایمی مانند اختلاس، ارتشاء، قاچاق و خرید و فروش کالای ممنوع، احتکار و عضویت در شرکت‌های هرمی نیز در دایره شمول جرایم اقتصادی قرار می‌گیرند (فرجی‌ها، مقدسی، ۱۳۹۲: ۱۱۷۶). طبق تعریف جرم در قانون مجازات اسلامی می‌توان گفت که جرائم اقتصادی به آن دسته از جرائم علیه تمامیت اموال عمومی و دولتی گفته می‌شود که باعث ایجاد اختلال در نظام اقتصادی کشور در سطح کلان می‌شوند و با خارج ساختن امور اقتصادی از مجرای صحیح و سالم منجر به ثروتمند شدن غیر عادلانه و تحصیل ثروت‌های کلان توسط عده قلیلی از اشخاص یا مقاماتی می‌شوند که به واسطه بهره‌مندی و بعضاً بهره‌مندی از قدرت سیاسی یا ارتباط با مقامات سیاسی و نیز با سوء استفاده

از منابع اطلاعاتی و سیاسی و اقتصادی و روش‌های مختلف دیگر دارای امکان و موقعیت تحصیل ثروت نامشروع از اموال عمومی یا دولتی یا از فرصت‌های غیرقانونی و تبعیض آمیزند (مصطفی پور، ۱۳۹۵: ۲).

بند ب ماده ۱۰۹ قانون مجازات اسلامی جرائم زیر را به همراه کلاهبرداری، ذیل عنوان جرائم اقتصادی قرار داده است که عبارت اند از:

- رشاء و ارتشاء - اختلاس - اعمال نفوذ برخلاف حق و مقررات قانونی در صورت تحصیل مال توسط مجرم یا دیگری - تبانی در معاملات دولتی - اخذ پورسانت در معاملات خارجی - تعديات ماموران دولتی نسبت به دولت - جرائم گمرکی - قاچاق کالا و ارز - جرائم مالیاتی - پولشویی - اخلال در نظام اقتصادی کشور - تصرف غیرقانونی در اموال عمومی یا دولتی - کلاهبرداری (حسنى و مهرا، ۱۳۹۴: ۵۴).

ابعاد جرائم (فساد) پلیس

کویونوس رشوه خواری، اخاذی، کلاهبرداری، قاچاق، اختلاس، تبارگماری و همپالگی گماری را از مصادیق فساد اداری برشمرده است (کویونوس^۱، ۲۰۰۰). زیمرمن نیز بیان می‌کند که عواملی نظیر تبانی، حق و حساب یا پورسانت، باندبازی و دار و دسته‌گرایی به عنوان مصادیق فساد اداری ذکر شده است (زیمرمن^۲، ۲۰۰۱).

جدول ۱: ابعاد جرائم (فساد) پلیس

نوع جرائم	ابعاد
فساد اختیار قانونی	زمانی که فرد منافع مادی را با استفاده از موقعیتش به عنوان پلیس بدون نقض مستقیم قانون بدست می‌آورد «نوشیدنی، غذا یا سایر خدمات مجانی»
بازپرداخت	دریافت کالا، خدمات یا پول برای نسبت دادن کاری به یک فرد یا سازمان
زدی فرصت طلبانه	زدی از زندانیان، از قربانیان حوادث ترافیکی، از قربانیان حوادث جنایی، و یا اموال فوت شدگان.
رشوه‌گیری	پذیرفتن رشوه برای دنبال نکردن پرونده‌های جنایی، دستگیر نکردن، اعمال نفوذ در مورد شکایات یا دارایی‌های توقیف شده.

1- Quinones

2- Zimmerman

حمایت از فعالیت‌های غیر قانونی	محافظت از فعالیت‌های خلاف کارانه یا مجرمانه و فراهم کردن زمینه تداوم آن (مانند فحشا، مواد مخدر، هرز نگاری)
تنبانی	منحرف کردن تحقیقات جنایی یا جلوگیری از ادامه آن
انجام اقدامات مجرمانه	ارتکاب جرم به وسیله مامور پلیس علیه فرد یا دارایی‌های وی برای کسب منفعت با نقض صریح هنجارهای قانونی و سازمانی
پرداخت‌های درونی	خرید و فروش، معاوضه یا سوء استفاده از اختیارات به ویژه به وسیله مأمورین پلیس (مرخصی، مزایا و تسهیلات، ترفیع و ارتقاء)
پوشاندن و لایبی گذاری ^۱	دستکاری شواهد (مخفی کردن بخشی یا اضافه کردن چیزی به شواهد و مدارک، به ویژه در موارد مربوط به مواد مخدر)

منبع: (نیوبرن، ۱۹۹۹:۴؛ به نقل از بختیاری، ۱۳۹۴)

نظریه‌های مختلفی در خصوص ارتکاب جرم ارائه شده است. نظریه پردازان بی‌سازمانی اجتماعی بر این باورند که عواملی چون کاهش کارایی نهادهای اجتماعی نظیر خانواده و تضعیف تقیدهای خویشاوندی به عنوان نیروهای غیررسمی کنترل اجتماعی، کاهش انسجام سنتی اجتماعی که پیامد رشد سریع صنعتی شدن، شهرنشینی و مهاجرت فزاینده به سوی حوزه‌های شهری است، جرایمی نظیر قتل، سرقت، انحرافات جنسی و اعتیاد را افزایش می‌دهند» (احمدی، ۱۳۸۴: ۴۳). «تئوری بی‌سازمانی اجتماعی اخیراً بر روی شکل مستقیم کنترل غیررسمی یا ثمربخش جمعی^۱ متمرکز شده است. یعنی توانایی مداخله مؤثر در مسایل محله و نظارت ساکنین برای حفظ نظم عمومی. این تئوری فرض نموده است، چنانچه این مکانیسم‌های مکمل ضعیف گردند، محلات توانایی خود را نسبت به کنترل جرم از دست خواهند داد. تئوری بی‌سازمانی اجتماعی گسیختگی و نا کارآمدی نظام‌های سنتی و غیر رسمی کنترل اجتماعی را عامل جرم و بزهکاری می‌داند. علت ریشه‌ای این بی‌سازمانی اجتماعی به طور کلی تغییرات اجتماعی است زیرا هماهنگی بخش‌های متفاوت مختل می‌شود. این تغییرات می‌تواند دامنه‌ای از تغییرات تکنولوژیکی تا تغییرات فرهنگی را شامل شود و این می‌توان موجب بی‌سازمانی اجتماعی گردد (رابینکتسن و اینبرگ، ۱۳۸۳: ۵۱). به طور کلی در بستر شرایط بی‌سازمانی اجتماعی «مهاجرت‌ها» عدم رعایت قوانین، بی‌توجهی به استانداردها، کاهش گرایش‌های فرهنگی، بروز رفتارهای کجروانه،

کنش‌های نابهنجار و نیز ارتکاب بزه و جرم همگی ریشه در کاهش احساس تعلق اجتماعی دارند (ممتاز، ۱۳۸۱: ۸۵). شرایط بی‌سازمانی اجتماعی با تخریب و فرسایش روابط اجتماعی (انسجام) زمینه آسیب‌پذیری افراد را مهیا می‌کند. «افرادی که دوستان کمی دارند و کسی آنان را درک نمی‌کند به انزوا کشیده می‌شوند و به تدریج امید به رشد و تحول از دست می‌دهند و همین امر موجب بروز جرم و ارتکاب بزه می‌شود». در واقع بی‌سازمانی اجتماعی نتیجه فرایندهای تضاد هنجاری و ارزشی، تغییرات فرهنگی، خلأهای فرهنگی و ضعف روابط اولیه است، از این رو این وضعیت باعث کاهش کنترل اجتماعی بیرونی و سوق دادن افراد به سمت رفتارهای انحرافی می‌شود. «محل‌های نابسامان نمی‌توانند تلاش مؤثری در زمینه کنترل اجتماعی به کار بندند. از آن جایی که جمعیت متغیر است، روابط بین فردی سطحی است و نمی‌تواند به کاهش رفتار منحرفانه کمک نماید. نهادهای اجتماعی نظیر مدارس و کلیساها، نمی‌توانند در فضایی آکنده از بی‌اعتمادی و از خود بیگانگی به طور مؤثر فعالیت نمایند. کنترل اجتماعی همچنین به علت مختل شدن نفوذ عوامل محله توسط گروه‌های نظارت نشده‌ی همسال و گروه‌های بزهکاری که در محل‌های نابسامان رشد می‌کنند- تضعیف می‌شود (سیگل و سنا، ۱۳۸۱: ۲۴-۲۳). تئوری دورکیم عدم وفاق در مورد هنجارهای اجتماعی و عدم یگانگی و یا همبستگی (یا انسجام) را عامل بروز انحراف می‌داند و در واقع انحراف پاسخ و واکنشی به لجام گسیختگی اجتماعی است و هر قدر میزان بی‌هنجاری و عدم وفاق در مورد هنجارها بیشتر شود انحراف و کجی نیز افزایش می‌یابد (محسنی تبریزی، ۱۳۸۳: ۵۴-۵۵). از نظر «دورکیم»، فروپاشی «وجدان جمعی» یا تضعیف آن، یعنی: تضعیف یا فروپاشی نظام فرهنگ در جامعه سنتی، عامل پیدایش عدم تعادل و بی‌نظمی بوده و باعث نابودی همبستگی اجتماعی می‌گردد؛ ولی پیدایش عدم تعادل ساختی و بی‌نظمی و بی‌ثباتی در جامعه مدرن (پیشرفته)، معلول فقدان تقسیم کار نرمال می‌باشد. در جامعه مدرن (پیشرفته)، تقسیم کار جای «وجدان جمعی» جامعه سنتی را می‌گیرد. در جامعه مدرن عدم تعادل و ضعف همبستگی (انسجام) اجتماعی و فقدان نظم و ثبات می‌تواند مانند: جامعه سنتی بر اثر ضعف معیارهای اخلاقی و اشتراک اخلاقی باشد - حالت آتومی - می‌تواند ناشی از وجود هنجارهای اجباری و غیر عادلانه باشد، که در این مورد (از نظر دورکیم)، جامعه سنتی نمی‌تواند به‌طور جدی به عدم تعادل رهنمون گردد.

دورکیم بر این باور است که هرگاه وضعیت هنجارهای اجتماعی نفوذ خود را بر رفتار فرد از دست بدهند، در آن صورت کج رفتاری اجتماعی پدید خواهد آمد (گیدنز، ۱۳۷۳: ۷۹-۸۰). از نظر گیدنز مفهوم آنومی دورکیم بدین معناست که در جامعه سنتی هنجارها و معیارهای سنتی در جوامع مدرن متزلزل می‌شوند، بی‌آنکه هنجارها و معیارهای تازه‌ای جای آن را بگیرند. هرگاه که معیارهای روشن و شفاف برای هدایت رفتارها در حوزه معینی از زندگی اجتماعی وجود نداشته باشد، آنومی پدید می‌آید؛ به اعتقاد دورکیم، در چنین اوضاع و احوالی مردم احساس بی‌هدفی و اضطراب می‌کنند (گیدنز، ۳۰۱). از سوی دیگر دورکیم بین آنومی اجتماعی و بی‌سازمانی اجتماعی رابطه برقرار می‌کند؛ بدین گونه که هرچه صنعتی شدن بیشتر باشد، و تقسیم کار بیشتر گردد، سطح آنومی بیشتر خواهد بود. نهایتاً در یک جامعه با آنومی بالا، انتظار می‌رود که دارای درجه بالایی از بی‌سازمانی اجتماعی باشد (علی‌وردی نیا، ۱۳۸۴: ۱۳۲). مرتن با پیروی از نظریه آنومی دورکیم، انحراف جرم و بزهکاری را ناشی از گسست و انفعال بین هدف‌های فرهنگی و وسایل نهادی شده جهت دسترسی به آنها می‌راند. از این رو جرم از شخصیت‌های مرضی ناشی نمی‌شود و مساله‌ای فردی نیست بلکه امری اجتماعی و برخاسته از ساخت اجتماعی است (محسنی تبریزی، ۱۳۸۳: ۳-۶۲). مرتن فرض کرد که موقعی که بین اهداف از نظر فرهنگی ارزش گذاری شده (مانند پول و ثروت، آموزش و تحصیلات، کالاهای مصرفی و غیره) و وسایل قانونی قابل دسترس برای رسیدن به این اهداف، عدم تطابق به وجود آید، افراد ممکن است که عکس‌العمل‌های متفاوت داشته باشند (کلدی، ۱۳۷۸: ۵۵). مرتن ادعا می‌کند که واکنش مردم به اختلاف بین اهداف مورد تأیید و وسایل مورد تأیید برای دستیابی به آن اهداف به یکی از ۵ روش زیر صورت می‌گیرد و به قبول یا رد اهداف و وسایل بستگی دارد:

- **تطابق!** تطابق یا پیروی زمانی صورت می‌گیرد که فرد خواهان اهداف متعارف، مقبول اجتماعی بود و از روش‌ها و ابزار مشروع برای دستیابی به آنها استفاده می‌کند (سیگل و سنا، ۱۳۸۴: ۲۲۸)

ابتکار- نوآوری! نشان می‌دهد که فرد اهداف فرهنگی جامعه را می‌پذیرد ولی ابزار و روش‌های رسیدن به آنها را رد می‌کند (معدفر، ۱۳۸۵: ۴۲).

- **مناسک گرای (آیین گرایی):** بیانگر وضعیتی است که در آن اهداف مورد قبول واقع نشده و یا دسترسی به آنها اهمیت چندانی ندارد و آداب و رسوم جایگزین اهداف می شوند (سیگل و سنا، ۱۳۸۴: ۲۲۸، معیدفر، ۱۳۸۵: ۴۲).

- **عزلت گزینی^۲ (انزواطلبی):** عزلت گزینی به طور اهداف و نیز روش های جامعه اشاره دارد این افراد به دلیل عدم توانایی در برخورد با مسایل و مشکلات از جامعه جدا شده و خود را شکست خورده می پندارند و به انحراف کشیده می شوند (محسنی تبریزی، ۱۳۸۳، ۶۶). در این دسته، افرادی نظیر «روان پریش ها، روان رنجورها، افراد اوتیسم مزمن، افراد منفور طرد شدگان، ولگردها، خانه به دوش ها، دائم الخمرهای مزمن و معتادان به مواد مخدر، جای دارند.

- **عصیان (شورش)^۳:** در این شرایط فرد نه هنجارها و نه ابزار و نه اهداف جامعه را می پذیرد. و به دنبال جایگزین نمودن مجموعه ای از اهداف و ابزار جدید است (محسنی تبریزی، ۱۳۸۳: ۶۶) «در هر حال، شیوه های انطباق فردی که در شرایط سوء یکپارچگی در جامعه رایج می شود، اگر موجب تجاوز روز افزون بر علیه هنجارها و قوانین و مقررات مرسوم جامعه نشوند (مانند آنچه که در نوآوری، انزواگرایی منفی یعنی اعتیاد و یا شورش انجام می شود) زمینه بی توجهی و غفلت از آنها را فراهم می آورند (مانند آنچه که در مناسک گرایی یا انزوا گرایی مثبت انجام می شود). ولی در هر حال، نتیجه سوء یکپارچگی و شیوع شیوه های انطباق فردی یکی است و آن سستی و ضعف هنجارها و مقررات اجتماعی است» (معیدفر، ۱۳۸۵: ۴۳). بنابراین می توان نتیجه گرفت که با سست شدن مقررات، میزان کنترل اجتماعی و اعتماد در جامعه کاهش می یابد و از این منظر ارتکاب به جرم افزایش می یابد (ایار، ۱۳۸۹: ۴۴). آنومی عملکرد کنترل اجتماعی را ویران می سازد. هر جامعه ای سعی می نماید تا اهداف و آرزوهای مردم را محدود کند. اگر جامعه ای ناهنجار شود، نمی تواند زمان زیادی دوام آورد و کنترل آن بر اساس خواسته ها و امیال مردم آن صورت می گیرد. هنگامی که مردم از پس کنترل خواسته هایشان بر نمی آیند، خواسته های آنان نامحدود می شود. تحت این شرایط اطاعت از قوانین ممکن است با سختی همراه باشد. بنابراین یک رفتار اجتناب ناپذیر مانند جنایت به عنوان جایگزین رفتار هنجارمند و طبیعی انتخاب می شود

1- Ritualism

2- Retereatism

3- Rebellion

(سیگل، ۱۳۸۵: ۳۳۲). جرم‌شناسان معتقدند که نابرابری درآمد در جوامع مختلف هم تولید فشار می‌نماید و هم باعث افزایش میزان جرم در آنها می‌شود. به خاطر اینکه شکاف عمده بین فقیر و غنی، کینه توزی و عدم اعتماد را به وجود می‌آورد و چنین وضعیتی سرانجام منجر به خشونت و جرم می‌شود. در جوامعی که در آنها نابرابری درآمد افزایش یافته است یک نوع حقارت و سرافکنندگی در افراد کم درآمد ایجاد می‌شود که این عامل باعث ایجاد انگیزه‌های مجرمانه در برخی از این افراد می‌گردد. چنانچه نابرابری درآمدها موجب فشار زندگی و فرسودگی شود، شرایط به وجود می‌آید که براساس آن میزان جرائم در مناطقی که ثروتمندان و فقرا در نزدیکی یکدیگر زندگی می‌کنند افزایش می‌یابد. از آن شرایط با عنوان محرومیت نسبی یاد می‌کنند (سیگل، ۱۳۸۵: ۳۴۰). مفهوم محرومیت نسبی توسط جامعه‌شناسان جودیس بلاو و پیتر بلاو (۱۹۸۲) مطرح شده است. آنها مفاهیمی را از تئوری آنومی با مفاهیمی که در مدل‌های بی‌سازمانی اجتماعی یافت شده است، ترکیب کرده‌اند. بر طبق نظر آنها، افراد طبقات پایین ممکن است هنگام مقایسه شرایط زندگی خود با افراد ثروتمند، احساس محرومیت نمایند. این احساس محرومیت منجر به احساس بی‌عدالتی و نارضایتی گردیده و عدم اعتماد را در آنها پرورش می‌دهد. در نتیجه شانس پیشرفت آنها از طریق معیارهای مشروع مسدود می‌گردد و احساس ناتوانی را به وجود می‌آورد که دشمنی و پرخاشگری و سرانجام خشونت و جرم را به دنبال خواهد داشت. این محرومیت نسبی به طور قابل توجهی موجب برانگیخته شدن خشم فقرا شده که آنها نیز خشم و دشمنی خود را در رفتار مجرمانه به نمایش می‌گذارند (سیگل، ۱۳۸۵: ۳۳۲).

روش‌شناسی تحقیق

روش این پژوهش از نوع کیفی و روش تجزیه و تحلیل اطلاعات، براساس استراتژی تحلیل محتوای کیفی است. جامعه آماری این تحقیق شامل مطالعه ۵۲ مورد از تحقیقاتی بوده که در زمینه جرائم مالی در ناجا انجام شده و پس از بررسی (با توجه به کیفیت تحقیقات انجام شده) این تعداد به ۴۱ مورد تقلیل داده شد. جهت کدگذاری داده‌ها از نرم افزار مکس کیودا (Maxquda) بهره برده شده است.

یافته‌های تحقیق

این عوامل حاصل پیاده‌سازی مصاحبه‌های انجام شده است و با استفاده از نرم افزار مکس کیودا (Maxquda) کدگذاری شده‌اند.

جدول ۲: عوامل مؤثر بر ارتکاب جرائم مالی توسط کارکنان ناجا

مقوله اصلی	کد فرعی ۱	کد فرعی ۲	کد فرعی ۳	
عوامل مؤثر بر ارتکاب جرائم مالی توسط کارکنان ناجا	عوامل پیشگیرانه	عوامل	برخی عوامل مرتبط با ضعف روش ها و فنون ارتکاب جرم است. باید از فنون و روش های مختلفی استفاده کرد. این فنون باید علمی و منطقی باشد تا افراد با منطقی با آن برخورد کرده و مراقب نتایج عمل خود باشند و بدانند چه در انتظار آن هاست. مثلا افزایش زحمت و خطرات برای مرتکبان جرم و افزایش مجازات یا منافع و انجام هر گونه اقدام پیشگیرانه ای که مانع از ارتکاب جرائم مالی در ناجا می شود را باید استفاده کرد.	
			افزایش زحمت ارتکاب جرم	افزایش خطرات قابل پیش بینی
			کاهش منافع قابل پیش بینی	کاهش تحریک
			حذف پهنانه ها	اقدامات پیشگیرانه
عوامل مؤثر بر ارتکاب جرائم مالی توسط کارکنان ناجا	عوامل سازمانی	آموزش های حفاظتی	به نظر عوامل سازمانی نقش مهمی در ارتکاب جرائم مالی در ناجا دارند. مثلا ما در امر آموزش های مختلف از جمله آموزش های حفاظتی نیازمند تلاش بیشتری هستیم. فرماندهان نظارت خود را کم رنگ می کنند و این امر آسیب های مرتبط با کارکنان را بیشتر می کند. از طرفی سختی کار در ناجا بسیار بالاست و ممکن است این امر عدم رضایت شغلی در ناجا را در پی داشته باشد که این امر تعهد و تعلق سازمانی را کاهش می دهد باعث می شود تا پرسنل در دامن جرائم علی الخصوص جرائم مالی گرفتار شوند. نکته دیگر نارسایی قوانین در ناجا است. قوانین لازم در خصوص حمایت از پرسنل در شرایط مختلف اداری و سازمانی وجود ندارد. بسیاری از قوانین نارساست و نیازمند اصلاح متناسب با شرایط روز هستند علی الخصوص قوانین مرتبط با جرائم مالی و حتی قوانین مربوط با حقوق و مزایای پرسنل ناجا.	
		ضعف نظارت فرماندهان و سازمان های نظارتی		
		حذف آسیب پذیری ارتکاب کارکنان		
		سختی کار و عدم رضایت شغلی		
		نارسایی قوانین		
		تعهد سازمانی		
تعلق سازمانی				
عوامل اقتصادی	عوامل اقتصادی جامعه	مشکلات اقتصادی جامعه	متاسفانه حقوق و مزایای پرسنل ناجا حتی نسبت به سایر مشاغل در جامعه پایین است. پلیس در سایر کشور از درآمد بسیار بالایی برخوردار است و در کشور ما این گونه نیست و حقوق آن کافی نیست. از طرف دیگر، مشکلات مختلف اقتصادی کنونی جامعه ما در این امر بی تاثیر نیست. تورم، بیکاری، افزایش هزینه زندگی و ... زمینه ارتکاب جرم را نه تنها برای پلیس بلکه برای سایر جرائم بالا می برد. لذا مشکل حقوق و مزایای امری بسیار مهم و حیاتی است.	
		پایین بودن حقوق و مزایا		
عوامل فردی و خانوادگی	عوامل فردی و خانوادگی	ارزش های فردی	ارزش های فردی و تیپ شخصی افراد به لحاظ روانشناختی نیز باعث ارتکاب جرائم مالی می شود. برخی از افراد به لحاظ اخلاقی، ارزشی برای خود قائل نیستند و اخلاقیات از درجه اهمیت پایینی در زندگی آن ها قرار دارد. برخی دیگر چندان به مقوله فساد آگاهی ندارند و به صورت ناگهانی در این امر گرفتار می شوند. ایمان و اعتقاد مانع از ارتکاب جرم و جرم در نزد افراد می شود. وقتی افراد رضای خدا را مد نظر دارند دیگر به سمت گناه نمی روند.	
		شخصیت		
		فساد ناآگاهانه		
		ضعف ایمان		

<p>اعتماد نهادی و فردی و حس پیوند یا کنترل یا مشارکت سازمانی (سرمایه اجتماعی) گاه باعث ارتکاب جرائم اقتصادی می شود. مثلا افرادی که پیوند ضعیف یا ارتباط سستی با جامعه یا سازمان دارند خود را مقید به آن نمیدانند و مرتکب جرم می شوند به راحتی. افرادی که از طبقات اجتماعی پایین جامعه هستند به دلیل ضعف مالی به راحتی می توانند جهت رفع محرومیت های خود در زندگی، به ارتکاب جرم دست بزنند. این افراد به دلیل مقایسه روزمره خود با زندگی دیگران، به دلیل مسائل تربیتی یا خانوادگی یا مقایسه زرق و برق زندگی خود و دیگران، همواره در حسرت بسر می برند و ممکن است دست به ارتکاب جرم بزنند. این گونه افراد با ازدواج و افزایش تعداد عائله و فرزندان خود می خواهند تا زندگی مناسبی ترتیب دهند و چنانچه در فقر بسر ببرند همواره به دنبال حذف نواقض و کمبودهای مالی خود هستند. تغییر در سبک زندگی افراد و حرکت در جهت تجمل گرایی و در جامعه عامل مهمی در ارتکاب جرائم مالی توسط کارکنان ناجا می باشد. آن ها نیز در جستجوی زندگی بهتر و افزایش سرمایه خود ممکن است به مانند سایر افراد جامعه از هر گونه فرصتی برای ارتکاب جرائم مالی استفاده کنند.</p>	اعتماد	عوامل اجتماعی
	مشارکت	
	سرمایه اجتماعی	
	پایگاه اجتماعی - اقتصادی	
	محرومیت نسبی	
	تربیت خانوادگی	
	تاھل	
	ترویج سبک زندگی تجملی	

همان گونه که جدول بالا نشان می دهد عوامل تأثیر گذار بر ارتکاب جرائم مالی عبارتند از: عوامل سازمانی، فردی و خانوادگی، اجتماعی، عوامل اقتصادی و عوامل پیش گیرانه.

مدل ۱: عوامل مؤثر بر ارتکاب جرائم مالی



راه کارهای احصاء شده جهت مقابله با جرم جرائم مالی کارکنان ناجا در جدول زیر ارائه شده است. در این جدول، فراوانی اشاره به میزان تکرار راه کارهای اشاره شده توسط نخبگان (جامعه آماری) است.

جدول ۳: کدگذاری راه کارهای مقابله با جرائم مالی

مقوله (راه کار کلی)	کد ۱ (راه کار)	عبارت
اجتماعی	روش های مثبت تر کردن تلقی مردم نسبت به پرسنل ناجا	فرماندهی انتظامی استان کمبسیونی با حضور رؤسا و کارشناسان پلیس های تخصصی و معاون اجتماعی استان تشکیل دهد و روش های مثبت تر کردن تلقی مردم نسبت به سلامت اداری ماموران پلیس را تعیین و برنامه های عملیاتی برای آن تهیه کند.
	آموزش	تهیه یک بسته آموزشی - توجیهی پیرامون ماهیت رشوه، مصادیق رشوه، احکام رشوه، پیامدهای دنیوی و اخروی رشوه و ... برای کارکنان و مسئولان تهیه و اجرا گردد.
	تشویق پرسنل درستکار	موارد رد رشوه و یا هدیه از سوی کارکنان درستکار به نحوی در سازمان ناجا منعکس گردد که هم فرد درستکار تشویق متناسب شود و هم سایر کارکنان ترغیب به صحت عمل شوند.
	توجیه مترددین مرزی	توجیه مترددین مرزی در رابطه با عدم پرداخت رشوه به کارکنان در هر مقطع زمانی
	توجیه و ترویج الگوی مصرف مناسب	سطح توقع و انتظار مناسب کارکنان مختلف نیروی انتظامی بر اساس تعیین حداقل نیاز مادی مشخص و ضمن تعیین و ترویج الگو مصرف تعریف شده کلیه نهادهای ارشادی و تبلیغی به طور یکنواخت و همسو نسبت به توجیه و ترویج آن اقدام نمایند.

همان گونه که جدول بالا نشان می دهد در مجموع ۲۳ راه کار جزئی و ۵ راه کار کلی برای مقابله با ارتکاب جرائم مالی توسط کارکنان ناجا بر شمرده شده است. راه کارهای کلی در جدول بالا عبارتند از راه کارهای اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی، پیش گیرانه و سازمانی.

جدول ۳: راه کارهای کلی و جزئی مقابله با جرائم مادی

درصد	بعد	راه کارها	ردیف
۱۹	روش های مثبت تر کردن تلقی مردم نسبت به پرسنل ناجا آموزش تشویق پرسنل درستکار توجیه مترددین مرزی توجیه و ترویج الگوی مصرف مناسب	اجتماعی	۱
۲۳	گزینش افراد صالح و با انگیزه های معنوی جهت خدمت حذف منافذ فساد اداری انتصاب درست نظارت مؤثر استعلام قبل از بکارگیری هر یک از پرسنل تشکیل سامانه برای گزارش فساد اداری اطلاع رسانی و آگاه سازی با برنامه های حفاظتی و ع. س استخدام داوطلبین مؤمن، دلسوز و مستعد شغل پلیس	سازمانی	۲
۱۶	برخورد قانونی قاطع شدید تأمین تجهیزات مورد نیاز کوب سخت گیری نسبت به ارتباطات مشکوک و نفوذی	پیشگیرانه	۳
۳۴	بهبود وضع معیشتی ارائه خدمات از طریق تقویت فروشگاه های زنجیره ای اتکا و مراکز درمانی پرداخت مزایا بکارگیری در شغل دوم مناسب	اقتصادی	۴
۸	عدالت سازمانی تقویت باورهای دینی و مذهبی کارکنان تشویق تعهد و فرهنگ سازمانی	فرهنگی	۵

همان گونه که جدول بالا نشان می دهد مهم ترین راه کار کلی، راه کار اقتصادی است. راه کارهای اقتصادی عبارتند از ارائه خدمات از طریق تقویت فروشگاه های زنجیره ای اتکا و مراکز درمانی، پرداخت مزایا می باشد. این راه کار در مجموع یک سوم راه کارهای ارائه شده را تشکیل می دهد. بعد از راه کارهای اقتصادی، راه کار سازمانی، اجتماعی، پیش گیرانه و فرهنگی بیشترین تکرار و فراوانی و درصد راه کارهای مقابله با جرائم مالی را تشکیل داده اند.

نتیجه‌گیری تحقیق

در این تحقیق به دنبال مطالعه عوامل مؤثر بر ارتکاب جرائم مالی توسط کارکنان ناجا و ارائه راه کارهای لازم جهت مقابله با آن هستیم. نتایج این تحقیق نشان می‌دهد که عوامل اقتصادی، عوامل سازمانی، عوامل اجتماعی، عوامل فردی، عوامل محیطی و فنون پیشگیری از جرم از مهم‌ترین عوامل زمینه‌ای تأثیر گذار بر ارتکاب جرائم هستند. راه کارهای ارائه شده نشان داد که بهبود وضع معیشتی، ارائه خدمات از طریق تقویت فروشگاه‌های زنجیره‌ای اتکا و مراکز درمانی، پرداخت مزایا، برخورد قاطع با کارکنانی رشوه‌گیر، تقویت باورهای دینی و مذهبی کارکنان، استعلام قبل از بکارگیری هر یک از پرسنل، انتصاب افراد درست در سطوح مختلف توسط بازرسی هر استان، عدالت سازمانی و ... دارای بیشترین میزان فراوانی در بین پیشنهادها احصاء شده هستند. این پیشنهادها را می‌توان در قالب عوامل اقتصادی (حقوق و مزایا)، عوامل سازمانی (نظارت، آموزش، تنبیه و تشویق) و عوامل فردی (تدین، انگیزه) تقسیم نمود.

نتایج این تحقیق نشان می‌دهد که متغیرهای مادی مهم‌ترین تبیین‌کننده‌های جرائم مالی کارکنان ناجا هستند. بدون شک عوامل اقتصادی در هر سازمانی، نقش بسیار مهمی در سوق دادن افراد به سمت جرائم مالی دارند. لذا می‌توان گفت که پایگاه اقتصادی-اجتماعی افراد رابطه غیر مستقیمی با جرائم مالی دارند. بدین معنا که هر چه پایگاه اقتصادی-اجتماعی افراد پایین تر باشد، احتمال ارتکاب جرم توسط آنها بیشتر است و بر عکس. طبق نظریه رابرت کی‌مرتون جامعه‌شناس، گروهی از افراد جهت رسیدن به اهداف تأیید شده اجتماعی، سعی در بدعت و نوآوری در زمینه ساخت ابزار لازم در جهت تحقق این اهداف تأیید شده را دارند. از این رو احتمال ارتکاب جرم در بین افرادی که از حقوق و مزایای کمی برخوردار هستند، بیشتر است. باید پذیرفت که میزان حقوق و مزایا در سازمان ناجا با توجه به سختی و خطرات این شغل بسیار کم است. یافته‌های تحقیق نیز مؤید این امر هستند که با بهبود میزان حقوق پرداختی در این سازمان، می‌توان جرائم مالی را کاهش داد. تقریباً در تمام تحقیقاتی که از متغیرهای اقتصادی استفاده کرده‌اند، این متغیر در همه آنها دارای رابطه معناداری با متغیر جرائم مالی کارکنان بوده و نشان از اهمیت بالای این متغیر در تبیین متغیر وابسته دارد. در تبیین جرائم مالی کارکنان ناجا نباید نسبت به شرایط جامعه غافل بود. بدین معنا که

می‌توانیم وضعیت شغلی ناجا را با سایر مشاغل و شرایط جامعه مقایسه کرد و به تبیین بهتری دست یافت. ابتناء بر نظریه محرومیت نسبی افراد با مقایسه وضعیت زندگی و شغلی خود با وضعیت زندگی و شغلی دیگران، خود را مواجه با نوعی محرومیت می‌بینند و احساس سرخوردگی اجتماعی پیدا می‌کنند. لذا سعی می‌نمایند از راه‌های مختلف مانند دریافت رشوه و ... به نوعی این احساس سرخوردگی اجتماعی را جبران نموده و از میزان حقارت خود کم نمایند. از آنجایی که این افراد همواره خود را مستحق داشتن بهترین زندگی می‌دانند لذا تحقق آن را از هر روشی حتی با زیر پا گذاشتن اخلاق جایز می‌دانند و حتی آن را توجیه می‌کنند. از طرف دیگر نابرابری و سرخوردگی اجتماعی عواملی هستند که افراد را به سمت دریافت رشوه و ارتکاب جرائم مالی هدایت می‌کنند. بی‌عدالتی سازمانی نیز از جمله مهم‌ترین عواملی است که افراد را به سمت ارتکاب جرائم مالی سوق می‌دهد. بسیاری از پیشنهاد‌های ارائه شده در تحقیقات انجام شده تأکید می‌کنند که افرادی که در سازمان خود با شکست مواجه می‌شوند و نمی‌توانند به موفقیت‌های آرمانی خود برسند سعی می‌کنند این هدف را از طریق دیگری محقق سازند. بی‌عدالتی سازمانی در ارگان‌هایی مانند ناجا که قدرت محور است زمینه ارتکاب جرائم مختلف را فراهم می‌سازد. از این رو توزیع عادلانه قدرت و ثروت و انتصاب افراد شایسته در پست‌های دارای مزایای مناسب سازمانی، می‌تواند شایسته‌سالاری را ترویج و از ارتکاب جرائم مالی افراد جلوگیری کند. یکی دیگر از متغیرهای مؤثر بر ارتکاب جرائم مالی کارکنان ناجا، ضعف کنترل نهادهای نظارتی است. بر اساس نظریه کنترل اعمال انحرافی ناشی از ضعف در ساز و کارهای کنترل اجتماعی و کنترل شخصی است. این نظریه به نوعی از مفروضات نظریه‌های فشار و یادگیری است. در این نظریه‌ها بیشتر علت هم‌نوایی، اعمال کنترل اجتماعی بر افراد است که جلوی کج رفتاری را می‌گیرد. بنابراین فقدان یا ضعف کنترل اجتماعی علت اصلی کج رفتاری است. بر اساس نظریه هیرشی علت کج‌روی یا ارتکاب جرم به دلایل زیر است:

پیوستگی: داشتن تعلق خاطر نسبت به افراد و نهادها در جامعه یکی از شیوه‌هایی است که فرد خود را از طریق آن به جامعه پیوند می‌زند.

تعهد: عبارت است از دینی که فرد نسبت به جامعه دارد هر چه قدر سرمایه‌گذاری مردم در تحصیلات، سوابق شغلی و سایر دارایی‌ها بیشتر باشد دلایل بیشتری دارند که هم‌نوا باشند

تا بتوانند از دستاوردهای خود محافظت نمایند برعکس کسانی که سرمایه گذاری کمتری دارند خطر کمتری در انحراف می‌بینند و شاید فرصتی هم برای سود بردن از آن بدست آورند.

مشغولیت (درگیری): این مؤلفه بیانگر میزان درگیری و مشارکت افراد در فعالیت‌ها و نقش‌های اجتماعی است کسانی که گرفتار کار، زندگی خانوادگی، سرگرمی و ... هستند معمولاً فرصت کمتری برای درگیر شدن در رفتارهای کج روانه دارند.

باور: افرادی که در محیط‌های مشترک زندگی می‌کنند، غالباً دارای یک اعتقاد اخلاقی مشابه هستند و به ارزش‌های انسانی نظیر تشریک مساعی، حمایت از حقوق دیگران و اجرای ضوابط قانونی احترام می‌گذارند اگر این اعتقادات وجود نداشته باشد یا ضعیف باشد احتمال مشارکت افراد در اقدامات ضد اجتماعی بیشتر است (سیگل و سنا، ۱۳۸۴: ۲۷۹)؛ به نقل از ایار، ۱۳۸۹: ۴۵.

می‌توان تشریح کرد که کارکنان ناجا به دلیل عدم پیوستگی لازم یا نوعی سرخوردگی، عدم تعهد ناشی از بی اخلاقی‌های اجتماعی، عدم مشغولیت و مشارکت و از دست رفتن باور، دست به ارتکاب جرم می‌زنند. نکته اینجاست که علی‌رغم اینکه پرسنل ناجا پیوسته با اجتماع در پیوند هستند و به مسائل اجتماعی مردم می‌پردازند اما دست به ارتکاب جرائم مالی می‌زنند چرا که مشقت و سختی در کار و ضعف در حقوق و مزایای نسبتاً کم در کنار رشوه‌های و سوسه‌انگیزی که از سوی مردم پرداخت می‌شود بسیار زیاد بوده و وضعیت دریافت جرائم مالی را بسیار نگران کننده می‌سازد.

مهم‌ترین راه کار کلی، راه کار اقتصادی است. راه کارهای اقتصادی عبارتند از ارائه خدمات از طریق تقویت فروشگاه‌های زنجیره‌ای اتکا و مراکز درمانی، پرداخت مزایا می‌باشد. این راه کار در مجموع یک سوم راه کارهای ارائه شده را تشکیل می‌دهد. بعد از راه کارهای اقتصادی، راه کار سازمانی، اجتماعی، پیش‌گیرانه و فرهنگی بیشترین تکرار و فراوانی و درصد راه کارهای مقابله با جرائم مالی را تشکیل داده‌اند.

پیشنهادها

- یکی از مهم‌ترین متغیرهای مؤثر بر جرائم مالی کارکنان ناجا، وضعیت ضعیف معیشتی کارکنان است. فرماندهان محترم ناجا باید تمام همت خود را در دو زمینه متمرکز نمایند:

۱- بالا بردن حقوق پرسنل ۲- استفاده از منازل سازمان یا تأمین مسکن برای پرسنل.
 - نظارت و کنترل نیز از جمله مهم‌ترین ابزارهای پیش‌گیرانه در جرائم مالی کارکنان است. یگان‌های نظارتی در ناجا می‌بایست مکانیسم‌های مختلفی را برای پیشگیری از جرائم مالی به کار گیرند.

- پس دادن رشوه و دریافت پاداش نیز از جمله مکانیسم‌هایی است که باید مورد توجه دستگاه‌های نظارتی قرار گیرد.

- باید آموزش داده شود که جرائم مالی نظیر رشوه باعث کاهش اعتماد اجتماعی پلیس و زیر سوال رفتن مشروعیت و مقبولیت آن‌ها می‌شود. این امر کاهش منزلت اجتماعی پلیس را در پی داشته و در آینده بی‌سازمانی اجتماعی را در پی خواهد داشت.

از بین بردن فرصت‌های ارتکاب جرم می‌تواند در کاهش جرائم مالی ناجا مؤثر باشد. باید شرایط و فضاهای جرم‌زا را از بین برد تا امکان ارتکاب جرائم از بین رود.

- رویکر انتخاب عقلانی در خصوص هزینه و فایده را نباید از یاد برد. انسان به عنوان موجودی عقلانی سعی دارد تا نتایج و منافع حاصل از انتخاب‌های خود را سبک و سنگین کند و در صورت تفوق میزان سود به نسبت هزینه انتخاب خود را عملیاتی کند. افزایش هزینه‌های ارتکاب جرائم می‌تواند در برخی از مواقع مانع از ارتکاب جرائم مختلف شود.

- بر پایه یافته‌های این پژوهش، مشارکت با پلیس، از طریق سرمایه اجتماعی؛ نظیر شبکه‌ها، هنجارها، پیوندها و اعتماد متقابل جامعه با پلیس قابل ارزیابی است، هنجارهای اعتماد و همکاری و رضایت اجتماعی، منابع اصلی سرمایه اجتماعی پلیس را تشکیل می‌دهند. سرمایه اجتماعی پلیس و تغییرپذیری آن در روابط پلیس با جامعه حضور دارد. برای تشکیل سرمایه اجتماعی پلیس، دو عامل مهم‌اند: اول میزان اعتماد اجتماعی به پلیس به معنای آنکه تعهدات عملیاتی خواهد شد و دوم میزان واقعی تعهداتی (مشارکت اجتماعی (که پلیس و جامعه متقابلاً بر عهده می‌گیرند؛ اگر سرمایه اجتماعی از بین برود، روابط اجتماعی پلیس با جامعه نیز سست و آسیب‌پذیر می‌شود و در نتیجه، انتظارات، تعهدات، نظام اعتماد و مشارکت و همیاری نیز از بین خواهد رفت. با توجه به اینکه دریافت رشوه باعث خدشه دار شدن چهره پلیس می‌شود، فعالیت‌های اجتماعی پلیس می‌تواند تا حدودی می‌تواند وجهه اجتماعی از دست رفته پلیس را برگرداند.

- رضایت شغلی یکی از مهم‌ترین متغیرهای مؤثر بر جرائم مالی است. چنانچه رضایت شغلی کاهش یابد، پرسنل ناجا به خود اجازه خواهند تا عدم رضایت خود را در جایی دیگر دنبال کنند و به اغناع برسند. افزایش رضایت شغلی در گرو رضایت مادی و معنوی سازمان است.

- بین رویکرد محرومیت نسبی و ارتکاب جرائم مالی کارکنان رابطه معناداری وجود دارد. اینکه پرسنل ناجا در مقایسه با پرسنل سایر سازمان‌ها به لحاظ مادی و معنوی خود را محروم‌تر و در پایین‌تر می‌بینند. این نوع نگاه باعث می‌شود تا امکان ارتکاب جرم در بین پرسنل ناجا ساده‌تر انگاشته شود و افراد، تأمین معیشت خود را به هر قیمتی حق خود دانسته و چه بسا آن را مباح بدانند. وجود این نوع محرومیت‌ها نوع نگاه افراد به جامعه را تغییر داده و باعث می‌شود افراد برای کسب پایگاه اجتماعی-اقتصادی بالاتر، تلاش بیشتری (حتی با توسل به جرم) نمایند.

منابع

- ایار، علی (۱۳۸۹)، **رابطه بین سرمایه اجتماعی و جرم در شهر ایلام**، پایان نامه کارشناسی ارشد دانشگاه تهران.
- امیدی، اسماعیل (۱۳۹۲)، **شناسایی عوامل مؤثر در گرایش به ارتکاب جرم ارتشاء کارکنان فرماندهی انتظامی استان گیلان**، فرماندهی انتظامی استان گیلان، دفتر تحقیقات کاربردی.
- بختیاری، حسن (۱۳۹۴)، **بررسی وضعیت سلامت اداری نیروی انتظامی ج.ا. ایران**، طرح تحقیقاتی، بازرسی کل ناجا.
- جمشیدی، علیرضا (۱۳۸۸) **پیشگیری از جرایم اقتصادی. از اقدام‌های قضایی تا اقدام‌های اجرایی**، در: مجموعه سخنرانی‌های ارائه شده در نخستین همایش ملی پیشگیری از وقوع جرم، به کوشش محمد فرجی‌ها و سیدمحمد حسین سرکشیکیان، چاپخانه معاونت آموزش ناجا.
- حسنی، جعفر، مهرا، نسرین (۱۳۹۴)، **نقدی بر مفهوم جرم اقتصادی در قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲**، مطالعات حقوق کیفی و جرم‌شناسی، دوره ۲، شماره ۲ و ۳، مهر و تابستان.
- دادگر، حسن و غلامعلی معصومی نیا (۱۳۸۸) **فساد مالی**، تهران، انتشارات کانون اندیشه جوان، چاپ دوم، چاپ اول.
- رایینگتن، ارل و واینبرگ، مارتین (۱۳۸۲) **رویکردهای نظری هفتگانه در بررسی مسائل اجتماعی**، ترجمه رحمت‌الله صدیق سروسستانی، تهران، انتشارات دانشگاه تهران.
- ساکی، محمد رضا (۱۳۸۲) **حقوق کیفری اقتصادی**، تهران، انتشارات جنگل، ۱۳۸۹، چاپ اول، ۲۵ و ایمانی، عباس؛ فرهنگ اصطلاحات حقوق کیفری، تهران، نشر آریان، چاپ اول.
- سیگل، لاری جی (۱۳۸۵) **جرم‌شناسی**، ترجمه یاشار سیف‌اللهی، انتشارات دفتر تحقیقات پلیس آگاهی ناجا
- سیگل، لاری و سنا جوزوف (۱۳۸۱) **بزهکاری نوجوانان**، علی اکبر تاج مزینانی و فرامرز دزفولی ککولی، تهران، سازمان ملی جوانان.

- صادقی، ابوالفضل (۱۳۹۵)، **بررسی تأثیر درآمدهای نامشروع مأمورین پلیس بر منزلت اجتماعی ناجا**، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه علوم انتظامی امین.
- علیوردی نیا، اکبر (۱۳۸۴) مطالعه جامعه شناختی اعتیاد به مواد مخدر در ایران، **فصلنامه علمی پژوهشی رفاه اجتماعی**، سال پنجم، شماره ۲۰.
- فرجی‌ها، محمد؛ محمدباقر مقدسی (۱۳۹۲)، **پاسخ‌های کیفی عوام گرایانه به مفاسد اقتصادی**، دایره المعارف علوم جنایی (مجموعه مقاله‌های تازه‌های علوم جنایی)، کتاب دوم، تهران: میزان.
- کرمی، یوسف (۱۳۹۶)، **بررسی عوامل سازمانی مؤثر بر پیشگیری حفاظتی از جرائم مالی کارکنان استان همدان**، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه علوم انتظامی امین.
- کریمیایی، علی اعظم، قائمی، حبیب، کرمی، یوسف (۱۳۹۶)، **بررسی عوامل سازمانی مؤثر بر پیشگیری حفاظتی از جرائم مالی کارکنان فرماندهی انتظامی استان همدان**، **فصلنامه مطالعات حفاظت و امنیت انتظامی**، سال دوازدهم، شماره ۴۵، زمستان.
- کلدی، علیرضا (۱۳۸۷)، **انحراف، جرم پیشگیری، فصلنامه علمی پژوهشی رفاه اجتماعی**، سال دوم، شماره ۳.
- گیدنز، آنتونی (۱۳۷۳)، **جامعه‌شناسی**، ترجمه منوچهر صبوری، تهران، نشر نی.
- لانگست، پیترو و دیگران (۱۳۸۷) ترجمه امیر حسین جلالی فراهانی و حمید بهرهمند بگ نظر، **برنامه‌های جهانی مبارزه با فساد**، نشر مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی، چاپ اول.
- مسجد آرایبی (۱۳۹۳)، **تحلیل اثربخشی شیوه‌های پیشگیری از جرائم مالی کارکنان فاتب**، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه علوم انتظامی امین.
- مصطفی پور، منوچهر، **بررسی جرائم اقتصادی در ایران و راه کارهای پیشگیری از آن‌ها**، مجل اقتصادی، سال ۱۶، ۱۳۹۵.
- معیدفر، سعید (۱۳۸۵)، **جامعه‌شناسی مسائل اجتماعی ایران**، همدان، انتشارات نورعلم.
- ممتاز، فریده (۱۳۸۱)، **انحراف اجتماعی، نظریه‌ها و دیدگاه‌ها**، تهران، شرکت سهامی انتشار.

- Queloz, N. **criminalité économique et criminalité organisée: Comment les différencier?** collection **criminology**, 1999, Cairn.info.
- Zimmerman, J. The Effects of Bureaucratization, Deviant and Unethical Behavior in Organization, **Jornal of Managerial Issues**, Spring: 13, 2000.